

جایگاه ابن مسکویه در فلسفه اخلاق اسلامی

ابن مسکویه نظریه اخلاقی خود را بر دریافت ویژه ای از فلسفه سیاسی طرح می کند که در آن نیل به سعادت غایت زندگی اخلاقی است ...



خبرگزاری مهر- گروه دین و اندیشه: ابن مسکویه نظریه اخلاقی خود را بر دریافت ویژه ای از فلسفه سیاسی طرح می کند که در آن نیل به سعادت غایت زندگی اخلاقی است که این امر جز در مدینه و از مجرای آن امکان پذیر نیست. جایگاه ابن مسکویه در تاریخ تفکر اسلامی از جهت پرداختن به اخلاق و به تبع آن سیاست قابل توجه است. او به سنتی در تفکر اسلامی تعلق دارد که وزن ویژه ای را برای عقل و خرد قائل است. ابن مسکویه جزو اندیشمندان عصر زرین تمدن اسلامی است. ابن مسکویه از آن دسته از اندیشمندان اسلامی است که گرایش فلسفی و خردگرا داشته اند.

وی در فلسفه اخلاقی خود بیشتر پیرو ارسطو و در برخی مطالب از افلاطون متأثر است و به علاوه از شریعت اسلامی برخوردار است. تألیف مهم وی «کتاب الطهاره و تهذیب الاخلاق" است.

با آنکه فلسفه ابن مسکویه دارای اصالت و ابتکار نیست و اقتباس و تلفیق از افکار ارسطو و افلاطون است، آراء وی از این جهت قابل توجه و اعتناست که وی نخستین کسی است که انتظار فلاسفه اسلام را به مطالعه اخلاق متوجه کرد و کوشید میان نظر و عمل سازش دهد. لیکن به رغم ادعای خود درباره اهمیت شریعت در اخلاق، فلسفه اخلاقی وی از روح دین دور است زیرا در آن نه به عنایت الهی اشاره شده است و نه به اهمیت حساب اخروی.

ابن مسکویه منظور خود را از اهتمام به اخلاق، ضرورت بنیاد نهادن اخلاق بر اساس فلسفی درست ذکر می کند بطوری که افعال نیک بدون مشقت از نفس صادر شود. و چون اخلاق صادر از نفس است پس معرفت خصائص آن لازم است و از این رو به قوای نفس و به آنچه از فضائل و رذائل به آنها مربوط می شود اشاره می کند و مانند افلاطون فضائل را تحت چهار فضیلت معروف درمی آورد.

ابن مسکویه پس از مطالعه قوای نفس، به بررسی سعادت و تعیین خیر برین می پردازد و سعادت غائی و خیر برین را یکی می داند و میان سعادت و فضیلت ربط می دهد و آنگاه به نظریه ارسطو درباره اعتدال (حد وسط) توجه می کند و نیل به فضیلت حد وسط را جز به وسیله فهم و عقل نمی داند («تهذیب الاخلاق"); و چون فضائل در ما طبیعی نیست بلکه مکتسب است فرا گرفتن اصول معارف و معاملات واجب است.

به اعتقاد ابن مسکویه علم شریعت برای قبول حکمت و طلب فضیلت و رسیدن به سعادت لازم است و از آنجا که علم به تنهایی کافی نیست افعال انسان، نیک و بافضیلت نخواهد بود مگر آنکه از روی اراده و اختیار باشد.

ابن مسکویه نظریه اخلاقی خود را بر دریافت ویژه ای از فلسفه سیاسی طرح می کند که در آن نیل به سعادت غایت زندگی اخلاقی است که این امر جز در مدینه و از مجرای آن امکان پذیر نیست.

چراکه سعادت فردی بخشی از سعادت عمومی جامعه است و آن کس که شهروند مدینه ای نیست نمی تواند بهره ای از سعادت کامل مدینه داشته باشد.

از دیگر ویژگی های نظریه اخلاقی ابن مسکویه جایگاه مهمی است که او برای امام در راهبری به سوی سعادت و فضیلت قایل است. امام نزد وی پاسدار دین و نگهبان سنت و شریعت است که ابن مسکویه از آن دریافتی فلسفی و مدنی ارایه می کند.

امام یعنی اداره کننده مدینه، جایگاه هر یک از مردم را او می داند به هر فرد مرتبه ای برابر با توانایی های فطری او می دهد. یکی از وظایف مهم امام پاسداری از عدالت به عنوان مهم ترین اصل حکومتی است.